

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ابهام و گونه‌های آن با نگاهی به مقالات شمس

۱- منوچهر توسلی ۲- مائده دین محمدی ۳- محمد توسلی

- ۱- دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
- ۲- دانشجوی کارشناسی آموزش تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد
- ۳- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی تربت حیدریه

Email: m.tavassoli.s@gmail.com

چکیده

ابهام در متون ادبی، از گذشته تا به امروز، یکی از پر استفاده‌ترین صنایع ادبی محسوب می‌شود که اهمیت و جایگاه هنری آن کمتر از تشبیه و استعاره نیست و یکی از فرایندهای مهم و در عین حال کلیدی شعر است. در شعر سنتی فارسی، ابهام بیشتر به سه شکل عمدی، طبیعی و عارضی اتفاق می‌افتد؛ اما در شعر امروز، ابهام یک ضرورت برای کشف دنیای جدید و از منظری دیگر، نتیجه‌ی همین دنیای پیچیده است و همین امر شعر را به ابهامی طبیعی و گاه غیرطبیعی سوق می‌دهد. این پژوهش ابتدا تعریفی از ابهام ارائه داده و سپس پدیده‌ی تحقیقات مرتبط با موضوع را به اختصار بازگو کرده و به صورت مروری و با نگاهی به مقالات شمس به بررسی ابهام و گونه‌های آن می‌پردازد.

کلمات کلیدی: چند معنایی، ابهام، مقالات شمس، ابهام معنایی، ابهام زبانی.

۱. مقدمه

یکی از خصوصیت‌هایی که همواره ملازم هنر بوده، مواجه کردن مخاطب با مبهمات و مجهولات هستی است تا زمینه برای شکوفایی ذهن از طریق درگیر شدن با این گونه ماده‌ها و موضوعات مرتبط با تفکر و تخیل فراهم گردد. پس، نمایش عینی دادن به مجهولات و مبهم کردن عینیات، یک شیوه رایج در هنر است و دلیل آن نیز پویایی بخشیدن به تفکر و تخیل در هنگام درگیر بودن با یک اثر هنری می‌باشد.

ابهام در لغت، به معنی پیچیدگی، پوشیدگی، پوشیده گفتن، پوشیده گذاشتن، پنهان، تاریک، ناشناس، مجهول و مطلق و بی‌قید رها کردن چیزی است؛ اما در اصطلاح ادبی، نامعلوم بودن و محتمل‌الجهات بودن کلام و جمله و نیازمندی آن به مبین است. ابهام، نوعی اختلال در ایجاد معنا به هنگام برقراری ارتباط بین متن و مخاطب است. اگر چه ممکن است بسیاری از این اختلال‌ها پس از اندکی دقت برطرف شوند، اما همان فرصت اندک نیز که مخاطب در دستیابی به معنا دچار درنگ می‌شود نوعی اختلال در یک رابطه‌ی سراسر است و مستقیم محسوب می‌شود.

هر کلمه، اصطلاح، عبارت، جمله یا متنی که در هنگام مطالعه، به درستی و با قطعیت فهمیده نشود و ذهن مخاطب را به بی‌معنایی، چندمعنایی، یا به معنایی نامتعارف و یا فراتر از صورت آشنا و معمول خود دلالت دهد، از مصادیق ابهام محسوب

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می شود. علاوه بر پیچش‌های پر شمار زبانی، شمار بسیاری از فنون علم بدیع و بعضی از شگردهای متداول در علم معانی و بیشترین و اصلی‌ترین مدل‌های مرتبط با علم بیان را می‌توان از نمونه‌های معروف ابهام در ادبیات دانست که علاوه بر تعیین و تبیین معیارهای زیبایی شناختی در متون ادبی و تشدید و تکثیر آنها، خصیصه‌ی پرمعنایی و تفکرانگیزی را نیز که باعث پویایی ذهن در فرایند مطالعه می‌شود و بلوغ و بلاغت کلام را چند برابر می‌کند، بر سخن می‌افزاید. بنابراین، ابهام نباید همواره از معایب متون ادبی به شمار آید که گویی باعث نارسایی در سخن می‌شود. این گونه نارسایی‌ها تنها یکی از خصوصیات ابهام است که اگر از منظر تاریخ و فرهنگ و جامعه‌شناسی و روانشناسی به ارزیابی گذاشته شود، اغلب می‌تواند خصوصیت و خاستگاه مثبتی داشته باشد. معنا در شعر سنتی غالباً رویدادی تاریخی- معرفتی است که شاعر معاصر، یکی از علت‌های ایجاد ابهام آن است که می‌خواهد آن را با دیگران در میان بگذارد و ناگفته پیداست که در جوامعی که اکثریت افراد آن بی‌سواد هستند؛ البته اگر بپذیریم که شعر حادثه‌ای است در زبان یا رستاخیزی است در واژگان، دیگر فرقی نمی‌کند که سنتی باشد یا نو؛ اتفاقاً شعر نو به دلیل تعلق به دنیای مدرن و پیچیدگی اندیشه‌های گوناگون اجتماعی، روان‌شناختی، فلسفی و هنری و تعلق به دوره‌ی افزایش آگاهی‌های بشری در بسیاری از زمینه‌ها و پرهیز شاعران از تکرار مفاهیم فرسوده و آشنا و تلاش برای طرح معنای مستمّر مدرن، اغلب انباشته از اشارات و کنایات و پاره‌پاره‌گویی‌ها و تداخل تداعی‌ها و فرا یادآوری دانسته‌ها و ندانسته‌ها و رویدادهای زمانی و مکانی دور و نزدیک است و از این رو ابهامش بسیار بیشتر از شعر سنتی است.

در تولید ارتباط، بخصوص از نوع زبانی آن، علاوه بر گوینده و شنونده و محیط و فضایی که آن ارتباط در آن برقرار می‌شود، بیشترین نقش بر عهده‌ی متن یا خود پیام است که تمامی اجزای تشکیل دهنده‌ی آن، به همان سان که جایگاهی برابر در تشکیل و تداوم کنش‌های ارتباطی دارند، می‌توانند نقشی مخرب و اختلال‌کننده نیز در آن داشته باشند. بر این اساس، همه‌ی اجزای کلام، از کلمه و ترکیب و جمله گرفته تا کلیت متن، با همه‌ی تصاویر و محتویات و ماجراهای آن، می‌توانند به گونه‌های مختلفی چون، جابه‌جایی‌ها و بی‌معنایی‌های زبانی، حذف‌ها و نارسایی‌ها و آشنایی‌زدایی‌های دستوری، پیچش‌های لفظی، عبارت‌پردازی‌های کنایی و بافت‌های استعاری، تفنن‌های ادبی و ژرف‌اندیشی‌های هنری در ایجاد معنا اختلال به وجود آورند و مخاطب را با ابهام مواجه کنند.

در اصطلاح بدیع نیز محتمل‌الضدین و ذووجهین بودن کلام را ابهام می‌گویند؛ یعنی سخنی که احتمال دو معنی متفاوت و یا متقابل در آن وجود داشته باشد. چند معنایی حقیقت این است که بسیاری از ابهام‌ها زاییده‌ی زبان ادبی و باعث اختلال در ارتباط می‌شود؛ به دلیل آن که در ادبیات، زبان صرفاً وسیله‌ی برقراری ارتباط نیست، ماده‌ای برای هنرآفرینی و خلاقیت‌های فکری است. به این خاطر است که استفاده‌ی ادبیات، بخصوص شعر به عنوان رستاخیز کلمات از زبان، همواره با دست‌کاری و عادت‌شکنی و نوآوری همراه است. این گونه استفاده‌های غیر متعارف از زبان، اگر چه دشواری‌های بسیاری در زبان ابهام در نظریه‌های ادبی ارتباطی به وجود می‌آورد، اما در مقابل باعث غنا و توسعه و استحکام و اقتدار آن نیز می‌شود. در گذر زمان، ذوق زیبایی‌شناسی جدید، بر خلاف دیدگاه‌های قدما نکهیده نیست؛ بلکه ارزش محسوب می‌شود و مردم جهان به تدریج به جانب ابهام و چندمعنایی متمایل شده‌اند؛ تا آنجا که از قرن بیستم به بعد منتقدان و نظریه‌پردازان ادبی، ابهام را جوهر ذاتی متن ادبی به شمار می‌آورند. ماندگاری آثار جاودانه بسته به میزان ابهام نهفته در آنها است. اگر ابهام را از متنهای ادبی اصیل حذف کنیم، گوهر ادبی آن را کنار گذاشته‌ایم. ابهام با شرکت دادن خواننده در آفرینش معنا، نوعی تعامل میان خواننده و متن ایجاد می‌کند و از آنجا که خوانندگان را در طول تاریخ به واکنش و می‌دارد، پیوسته امکان گفت‌وگوی نسل‌های مختلف با متن و معانی بزرگ، زمینه‌ی هنری‌تری برای خلق ابهام‌های ژرف فراهم می‌آید و ابهام و به تبعیت از آن، فعال‌سازی ادراک و تقویت ذهن را فراهم می‌کند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ابهام هنری که از عوامل ذاتی شعر است، در حوزه‌ی مجازی زبان صورت می‌گیرد. حوزه‌ی مجازی زبان گسترده است و شامل اغلب صناعات بلاغی همچون مجاز مرسل، کنایه، استعاره، تمثیل و ... می‌شود. یکی از اساسی‌ترین عناصری که شعر را پدید می‌آورد، ابهام و ابهام است. بی‌گمان اگر این گونه عناصر در شعر وجود نداشته باشد شعر عینیت نمی‌یابد. رابرت فراست، از نظریه‌پردازان نقد نو، درباره‌ی ابهام و ابهام در شعر چنین می‌نویسد: «شعر آن است که چیزی بگویند و تو چیز دیگری بفهمی».

عوامل ابهام در مقالات شمس

ابهام در مقالات شمس را در دو ساحت می‌توان بررسی کرد:

ابهام معنایی که به ژرف ساخت اثر مربوط است.

ابهام زبانی که به رو ساخت اثر مربوط می‌شود.

عوامل زبانی سبب ایجاد ابهام در مقالات است. به همین دلیل، برای پی بردن به چگونگی استفاده از این عوامل به بررسی مقوله‌ی دستور گفتمان و انسجام می‌پردازیم.

از میان عناصر مطرح شده در دستور گفتمان، مسئله انسجام را انتخاب می‌کنیم زیرا که برجسته‌ترین ویژگی این متن، آشفتگی و از هم گسیختگی جملات است؛ اما پیش از آن، مفهوم عوامل معنایی ابهام ساز را به اختصار توضیح می‌دهیم تا منظور ما از ابهام زبانی و تفاوت این دو با هم کاملاً روشن شود.

عوامل معنایی ابهام

در برابر عوامل زبانی که به اصطلاح به ساخت متن مربوط است، عوامل معنایی یا ژرف‌ساختی قرار دارند. گاه گاهی به نظر می‌رسد برخی از گفتارهای مقالات در ساحت ابهام‌های معنایی است، اما در نظر گرفتن چنین احتمالی زیاد موجه نیست؛ زیرا مهم‌ترین ویژگی ابهام‌های معنایی، حضور پررنگ و برجسته در متن است. زبان در مقالات، ناخودآگاه تبدیل به دال بدون مدلول نمی‌شود؛ زیرا از جنس رمز و نماد نیست. مقالات، گفت‌وگوی بیداری است نه خواب؛ زیرا تجربه‌ها، خاطره‌ها و گفت‌وگوهای واقعی شمس با افراد مختلف است. گوینده در دنیای ذهنی خود با خود، یا مفهومی در درون خود سخن نمی‌گوید، بلکه در جهان عینی با مخاطبانی واقعی مکالمه دارد، و این را از بافت سخن می‌توان فهمید. در واقع، مقالات در حالتی از مکاشفه، خواب، یا شور و جذبه و سرمستی گفته نشده است تا بتوان عدم ارتباط جملات و پاراگراف‌ها را در آن عوامل جست‌وجو کرد. شمس در مقالات، افراد را به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد خطاب قرار می‌دهد و در نقش یک استاد، معلم یا ولی، حقایق را به آنان می‌آموزد و از آنها ایراد می‌گیرد، آنها را نقد می‌کند و مورد اعتراض قرار می‌دهد. کار معلم، روشنگری است و اگر در مواردی، ابهام معنایی اندکی در متن وجود دارد، به دلیل پیچیدگی موضوع و منحصر به فرد بودن دانش‌آموز است.

ابهام مقالات، مربوط به حوزه‌ی آفریننده‌ی اثر نیست، بلکه به متن برمی‌گردد. بنابراین نویسنده یا به عبارت بهتر گوینده‌ی متن یعنی شمس، در پی ایجاد ابهام نیست، چه از نوع خلاقانه و چه از نوع تصنعی و ساختگی اش؛ مگر در مواردی که خود او به عنوان گوینده، نقش شنونده را هم پذیرا است. در جاهایی که گوینده با شنونده یکی می‌شود، رگه‌های بسیار محو و کم‌رنگی از این نوع ابهام در متن وجود دارد. به عبارت دیگر، ابهام مقالات نه ابهام تعمدی است و نه ابهام ذاتی؛ بلکه تا حدی ابهام عارضی است یعنی به متن تحمیل شده است و بیش از همه‌ی موارد، ریشه در ویژگی سبکی ایجاد دارد. با این حال، برخی از جملاتی که معنای آنها مشخص نیست و دارای ابهام معنایی است، در این متن وجود دارد. از جمله:

«و اگر نه یک روزنی و ده روزنی»

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یا «خود مردان مرد را آرزو آید که دو سبوی آب بر درم نهند»

عوامل زبانی، دستور گفتمان

امروزه دستور، جمله محور نیست، بلکه گفتمان محور است. همچنین عناصر زبانشناختی هنگامی که از منظر گفتمان بررسی شوند، نسبت به زمانی که از منظر جمله بررسی شوند، الگوهای متفاوتی دارند. یک گستره از زبان که در آن، دستور و گفتمان بسیار با هم یگانه می شوند، به الگوهای انسجام در متن تعلق دارد. انسجام یعنی ارتباط میان عناصر در یک متن. مانند ارتباط میان کلمات، بندها، ضمائر، اسمها و حروف ربط. مثلاً ارتباط میان کلمات و ضمیری که آن کلمه به آن برمی گردد. بنا بر تعریف هلیدی و حسن، مفهوم انسجام، مفهومی معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می کند. انسجام را در جایی می توان یافت که درک و تفسیر برخی از عناصر گفتمان، وابسته و نیازمند عناصر دیگری در درون آن باشد؛ یعنی یک عنصر، پیش‌انگاره‌ی عنصر دیگر باشد. به این معنا که عنصر دوم را نتوان بدون عنصر اول کشف و درک کرد. به دیگر سخن، انسجام، عبارت است از رابطه‌ی میان عنصر اول یعنی پیش‌انگارنده، و عنصر دوم یعنی پیش‌انگاشته. ابهام گونه‌های مختلفی دارد. در ادامه گونه‌های ابهام آورده شده و برای هر کدام توضیحی مختصر بیان می شود.

گونه های ابهام

ابهام واژگانی: این نوع ابهام بسامد زیادی دارد و یک واژه حامل بیش از یک معنا می باشد.

الف) ابهام واژگانی هم‌نامی: که واژه چند معنی متعدد نامرتب دارد. مثل واژه‌های «شیر»، «شانه» رفتیم یک شیر خریدم.

ب) ابهام واژگانی چندمعنایی: که واژه دارای معانی مرتبط با جمله است. مثل واژه‌ی «روی» در جملات داده شده: کتاب روی میز است.

قاب عکس روی دیوار است.

اسب از روی مانع پرید.

علاوه بر معنای مکانی، معنای انتزاعی نیز دارد.

رئیس روی کارمندان خود اشراف داشت (راسخ‌مهند، ۱۳۹۰: ۱۶).

ابهام نحوی: که یک عبارت یا جمله با الگویی ثابت اما با دو تفسیر نحوی و ساختاری حامل بیش از یک معنا باشد. بر اساس این تفسیرها هر یک از اجزا نقش نحوی متفاوتی پیدا می کند و آهنگ خواندن شعر و کاربرد علایم سجاوندی متفاوت می شود (صفوی، ۱۳۹۲: ۲۱۸).

مثال: پسران وزیر ناقص عقل (سعدی، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

ابهام استعاری: کاربرد استعاره‌هایی است که در متنی مشخص دارای چند معناست. مثال:

به جز آن نرگس مستانه که چشمش مرساد زیر این طارم فیروزه کسی خوش نشست (حافظ شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۶).

که طارم فیروزه به قرینه‌ی نرگس مستانه، ابروی یار می شود و به قرینه‌ی ذهنی سقف سبز آسمان.

ابهام تعبیری: و آن زمانی مطرح است که نتوان حکمی قطعی برای یک تعبیر مشخص صادر کرد. در این باره می توان دو نمونه‌ی (کتفم شکست. / شانه‌ام شکست) را با یکدیگر مقایسه کنیم. در نمونه‌ی دوم برخلاف جمله‌ی اول با قطعیت نمی توان گفت منظور از شانه همان کتف است؛ چون می تواند تعبیر دومی نیز داشته باشد و ابزار آرایش مو مدنظر قرار گیرد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ابهام مجاز: که اساسی‌ترین دست‌مایه‌ی ابهام می‌باشد. مثال:
یار مردان خدا باش که در کشتی نوح هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را (حافظ شیرازی، ۱۳۸۴: ۶).
آدم - حضرت نوح
ابهام کنایی: کنایه در جوهره‌ی خود ابهام‌زاست. زیرا دو معنایی در اساس آن است. در پیوند با ابهام‌زایی کنایه باید گفت که هر کنایه نباید فقط یک معنای کنایی داشته باشد بلکه برخی از کنایات می‌توانند بیش از یک معنا داشته باشند (امامی، ۱۳۹۰: ۱۹).
مثال: بر خر خود نشانند که دارای معانی کنایی متفاوت است.
به حال خود واقف شدن، در جای خود نشانند، از تفاخر بازداشتن
به طور کلی در شعر فارسی سه نوع ابهام را می‌توان سراغ گرفت. ابهام عارضی، ابهام عمدی، ابهام غیرعمدی.
ابهام عارضی همان چیزی است که به فراوانی در شعر فارسی وجود دارد یا ورود اصطلاحات علمی، آداب و رسوم و ... به شعر که در اثر جداسدن از بافت ادبی یک دوره به وجود می‌آید.
ابهام عمدی، تعقید در معنای شعر است به واسطه‌ی دخالت مستقیم گوینده برای پنهان کردن آن به هر دلیل، اما ابهام غیرعمدی یا طبیعی، فرایندی است که ضرورت‌های شعر آن را ایجاد می‌کند و نقشی منفی ندارد و تمام شاهکارهای شعری جهان به آن متصف‌اند (خواجه‌نور، ۱۳۸۷: ۸۰).
در مجموع پس از مرور ابهام و گونه‌های آن می‌توان گفت مقالات شمس به دلیل ساختار جملات از هم گسیخته و عدم انسجام ظاهری، متنی سرشار از ابهام است. عامل ابهام تا حدی مربوط به شفاهی بودن گفتمان می‌شود، اما قسمت عمده‌ی ابهام این متن مربوط به ویژگی‌های زبانی و سبکی آن می‌شود.

منابع

۱. امامی، نصرالله، خاستگاه هنری ابهام، فصلنامه نقد ادبی، شماره ۱۳، ۱۳۹۰، صفحات ۷-۲۲
۲. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد؛ دیوان غزلیات، چاپ چهاردهم، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۸۴
۳. حسن‌پور آلاشتی، حسین، عوامل ابهام معنایی در شعر طالب‌آملی، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۹، ۱۳۹۰، صفحات ۹۳-۱۰۸
۴. خواجه‌نور، بهزاد، عوامل ایجاد ابهام در شعر معاصر فارسی، مجله زبان و ادب فارسی، شماره ۱۱، ۱۳۸۷، صفحات ۷۵-۹۷
۵. راسخ‌مهند، محمد؛ درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰
۶. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین؛ دامنی از گل (گزیده گلستان)، تو ضیح غلامحسین یوسفی، چاپ دوازدهم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۵
۷. شمس تبریزی؛ مقالات، به تصحیح محمدعلی موحد، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۹
۸. صفوی، کورش؛ درآمدی بر معنی‌شناسی، چاپ پنجم، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۹۲
۹. علوی‌مقدم، مهیار؛ نظریه‌های نقد ادبی معاصر (صورت‌گرایی و ساختارگرایی)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۷
۱۰. فتوحی، محمود، ارزش ادبی ابهام، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۶۲، ۱۳۸۷، صفحات ۱۷-۳۶
۱۱. محبتی، مهدی؛ بدیع‌نو، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۰

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature